

وکالت‌های تشریفاتی؛ ایرادات مطروحه در جهت استانداردسازی وکالت‌های تسخیری

مرتضی زینل‌پور*
محسن شکرچی‌زاده**

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۵

چکیده

حق برخورداری از وکیل به عنوان یکی از موارد اصول دادرسی عادلانه در جهت محقق ساختن عدالت کیفری، مورد تصریح قانون‌گذار قرار گرفته است. در بسیاری از موارد اشخاص به علت عدم توانایی در پرداخت حق الوکاله، از حق برخورداری از وکیل محروم می‌شوند. این امر علاوه بر ورود صدمه به اصول دادرسی عادلانه، قانون‌گذار را از دستیابی به عدالت کیفری که از اهداف اصلی حقوق جزا است، محروم می‌سازد. قانون‌گذار معاضدت‌های قضایی را به عنوان یک راهکار برای پوشش این معضل مورد تصریح قرار داده است. اما معاضدت‌های قضایی، نیازهای قانون‌گذار از تأسیس این نهاد را برآورده ننموده است. غیراستاندارد بودن وکالت‌های تسخیری به عنوان یکی از معاضدت‌های قضایی، منتج به عدم دستیابی قانون‌گذار به اهداف خود از تأسیس معاضدت‌های قضایی می‌گردد. در این پژوهش با شناسایی ایرادات قانونی مطروحه در خصوص وکالت‌های تسخیری به تحلیل و بررسی ایرادات وکالت‌های تسخیری که معاضدت‌های قضایی را از استانداردهای مدنظر خارج می‌سازد، می‌پردازیم. نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر این موضوع است که ایرادات موجود وکالت‌های تسخیری را به نهادی تشریفاتی، صرفاً برای حضور وکیل در جلسه دادگاه و رسمیت یافتن جلسه رسیدگی تبدیل نموده است. از جمله راهکارهای ارائه شده برای استانداردسازی وکالت‌های تسخیری، تأسیس سازمان وکیل مدافعان تسخیری است. تمام پرونده‌های تسخیری با جذب اختصاصی وکیل به این سازمان ارجاع می‌شود. همچنین این سازمان نیازمند به تشکیل صندوق حمایت از موکلان تسخیری است که با هدف انتخاب کارشناسانی به منظور نظارت بر عملکرد وکلا و قضات در روند دادرسی تا صدور حکم قطعی در پرونده‌های تسخیری، تشکیل می‌شود.

کلیدواژه‌گان:

اصول دادرسی عادلانه، عدالت کیفری، معاضدت قضایی و وکیل تسخیری.

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد (نویسنده مسئول)
morteza.zeinalpour76@gmail.com

** استادیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد
mohsen.shekarchi@gmail.com

مقدمه

به طور کلی، آیین دادرسی کیفری دو هدف را دنبال می‌کند: یکی اعاده نظم لطمه‌دیده از جرم از طریق سازمان‌دهی نهادهای عدالت کیفری، و دیگری حفظ حقوق و آزادی‌های اساسی افراد از طریق تنظیم واکنش جامعه در برابر بزهکاری. این دو هدف به یک اندازه اهمیت دارند و ایجاد تعادل میان آن دو و وضع قوانینی در راستای نیل به هر دو، هدف واحدی است که در آیین دادرسی کیفری دنبال می‌شود؛ نه باید به نام تأمین امنیت و نظم عمومی، حقوق دفاعی متهم را نادیده گرفت و نه باید به عنوان حمایت از حقوق و آزادی‌های فردی از حفظ نظم عمومی غفلت ورزید.^۱

در راستای دستیابی آیین دادرسی کیفری به اهداف خود، سازمان‌دهی سیستم عدالت کیفری^۲ با توجه به گستردگی آن از اهمیت قابل‌توجه برخوردار است. این گستردگی ناشی از حضور نهادهایی از جمله نیروی انتظامی، دادسرا، دادگاه و زندان در این سیستم است. همچنین درگیر بودن اشخاص از بدو ورود یک عمل، به اعمال مجرمانه در مرحله کشف جرم تا مرحله اجرای احکام کیفری و اعاده نظم لطمه‌دیده از جرم به حالت سابق، گستردگی و اهمیت این سیستم را تحت‌الشعاع قرار داده است.

سیستم عدالت کیفری علی‌رغم تعداد ارگان‌های درگیر در آن به عنوان یک سیستم واحد عمل می‌کند. این بدان معنی است که حتی تصمیمات سیاسی مؤثر در یک قسمت از این سیستم، در قسمت‌های دیگر آن تأثیر خواهد داشت. به عنوان مثال، افزایش تعداد افسران پلیس می‌تواند به حل و فصل بیشتر جرایم و کاهش افسران پلیس، ارجاع پرونده‌های بیشتر به دادسرا و دادگاه منجر شود و به تبع آن، این امر به افزایش تعداد زندانیان بینجامد.^۳

در سیستم عدالت کیفری، دادسرا و دادگاه به عنوان مراجع رسیدگی به تظلم‌خواهی اشخاص زیان‌دیده از جرم شناخته می‌شوند. اشخاص جامعه به امید یک تظلم‌خواهی عادلانه به این مراجع رجوع می‌نمایند، بنابراین ایجاد یک دادرسی عادلانه و رعایت اصول آن یکی از ضروریات

۱. خالقی، علی، *آیین دادرسی کیفری*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۵، ص ۲۵.

2. Criminal justice

3. Pope, T, Davies, N, & Guerin, B, "The criminal justice system How government reforms and coronavirus will affect policing, courts and prisons". *The Chartered Institute of Public Finance & Accountancy*, 2020, p 9.

سازمان‌دهی به سیستم عدالت کیفری و اعاده نظم لطمه‌دیده از جرم، در راستای دستیابی به اهداف آیین دادرسی کیفری است.

عدم رعایت اصول دادرسی عادلانه^۱ و به تبع آن مجازات شخص بی‌گناه و باقیماندن صدمه‌های حاصل از جرم بدون مجازات در جامعه، لطمه‌ای دوچندان به نظم عمومی وارد می‌نماید.^۲

از موارد اصول دادرسی عادلانه، «اصل برابری سلاح‌ها» و «حقوق دفاعی متهم» هستند که به واسطه ارتباط نزدیک با «حق داشتن وکیل در جلسات رسیدگی»، مورد توجه این بررسی علمی قرار گرفته‌اند.

حق داشتن وکیل و اصل برابری سلاح‌ها، ارتباطی غیرقابل‌انکار را با اصول دادرسی عادلانه رقم می‌زند. زیرا در صورت عدم حضور وکیل، علی‌الخصوص وکیل متهم در جلسه رسیدگی، ایجاد توازن میان طرفین دادرسی با مشکلی جدی روبه‌رو خواهد شد. زمانی که طرفین برای تقابل، رودرروی یکدیگر قرار می‌گیرند، باید در شرایط برابر باشند. در پرونده‌های کیفری که در یک سوی آن دادستان، نیروی انتظامی، شاکی و وکیل وی حضور دارند، در طرف مقابل متهم تنها به همراه وکیل خود در این رسیدگی حضور پیدا می‌کند. حال در صورتی که متهم به علت عدم استطاعت مالی، توانایی تعیین وکیل را برای خود نداشته باشد، اهمیت حضور یک وکیل در کنار متهم بیش از پیش احساس می‌شود. حضور وکیل در دعاوی کیفری نیز از جمله حقوق دفاعی متهم و کمک به رعایت اصل تساوی سلاح‌ها محسوب می‌شود.

اصل الزامی بودن شرکت وکیل در کلیه مراحل دادرسی کیفری در مقررات موضوعه اکثر قریب به اتفاق کشورهای جهان به عنوان یکی از اساسی‌ترین تضمینات حقوق دفاعی متهم پذیرفته شده است. یکی از اجزای ذاتی محاکمه عادلانه عبارت از حقوقی است که در معنای

1. fair trial

۲. زینل‌پور، مرتضی و محسن شکرچی‌زاده، **بررسی ضعف در عملکرد پرونده‌های ارجاع شده به وکلای تسخیری در تئوری پنتوئیسیم**، کنفرانس حقوق، علوم سیاسی و علوم انسانی، دوره اول، شماره ۸۳-۸۹، ص ۱.

نسبتاً محدود، حقوق قانونی تلقی می‌شود و شامل آزاد بودن از چیزی (مصونیت)، مانند حق بر عدم بازداشت خودسرانه یا برخورداری از چیزی مثل حق داشتن وکیل است.^۱

با توجه به اهمیتِ حق داشتن وکیل در سیستم عدالت کیفری و اصول دادرسی عادلانه، قانون‌گذار در اصل ۳۵ قانون اساسی علاوه بر حق انتخاب وکیل در دادگاه، به فراهم آوردن امکانات تعیین وکیل برای اشخاصی که توانایی این امر را ندارند، نیز توجه داشته است. همچنین قانون‌گذار در ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، حق داشتن وکیل را از همان ابتدای امر با شروع تحت‌نظر قرار گرفتن متهم، از حقوق دفاعی اشخاص در مرحله دادرسی و تحقیقات مقدماتی مدنظر قرار داده است.

با توجه اینکه در بسیاری از موارد، اشخاص به دلیل عدم استطاعت مالی، توانایی انتخاب وکیل را ندارند، این موضوع به دور از عدالت است که اشخاص فقط به علت شرایط مالی نامناسب، نتوانند دفاع منسجم و قابل قبول در راستای احقاق حقوق تضییع شده خود انجام دهند. قانون‌گذار با پیش‌بینی این معضل، درصدد رفع آن برآمده است. تأسیس نهاد وکالت‌های تسخیری در قوانین کیفری به همین منظور و با هدف دستیابی به عدالت کیفری و رعایت اصول دادرسی عادلانه صورت پذیرفته است.

با وجود تأسیس نهاد وکالت‌های تسخیری^۲ نتایج در یک بررسی علمی نشان می‌دهد متهمان با وکلای تسخیری احتمال کمتری در رد شدن اتهامشان توسط دادگاه وجود دارد و وکلای تسخیری در مقایسه با وکلای تعیین شده از سوی متهم، چندان کارآمد نیستند.^۳ همچنین داده‌ها در یک مقاله بیانگر این نکته است که وکیل مدافعان تعیین شده نتایج بهتری از لحاظ محکومیت موکل خود نسبت به وکلای تسخیری به دست می‌آورند. به طور متوسط، موکلان وکلای تسخیری، سه سال بیشتر از موکلانی که از وکیل تعیینی برخوردارند، به مجازات حبس محکوم می‌شوند.^۴

۱. فضائی، مصطفی، *دادرسی عادلانه در محاکمات کیفری بین المللی*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، ۱۳۸۷، ص ۴۲.

2. Public defenders

3. Williams, M, "The effectiveness of public defenders in four Florida counties" *Journal of Criminal Justice* 2013, p 205.

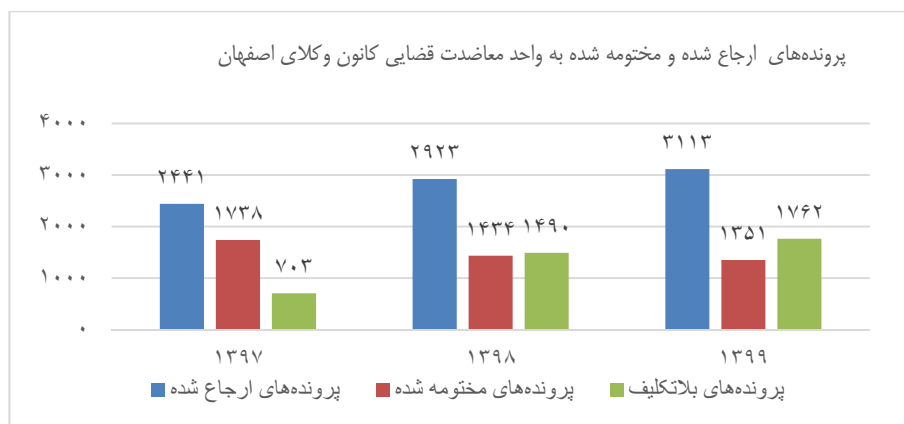
4. Hoffman, M, Rubin, P & Shepherd, J, "An Empirical Study of Public Defender Effectiveness: Self-Selection by the Marginally Indigent" *Law & Economics Research Paper Series* 2005, p 56.

با وجود تغییرات مثبت در طی قانون‌گذاری‌های صورت‌پذیرفته درخصوص وکالت‌های تسخیری، غیراستاندارد بودن قوانین حاضر درخصوص وکالت‌های تسخیری لطمه‌ای غیرقابل‌جبران به سیستم عدالت کیفری وارد می‌نماید و قانون‌گذار را از دستیابی به هدف اصلی خود که تحقق عدالت و مجازات مجرم واقعی است، دور می‌نماید. این امر، منتج به تشریفاتی‌انگاشتن وکالت‌های تسخیری از جانب وکلا و قضات شده و وکالت‌های تسخیری را تنها به رعایت تشریفات قانونی به منظور پیشبرد پرونده کیفری تا مرحله صدور و اجرای رأی تبدیل نموده است. پژوهش حاضر، در کنار روش مطالعه کتابخانه‌ای، مصاحبه حضوری از وکلا و قضات را نیز توأمان در نظر گرفته شده و همچنین در این پژوهش استفاده از آمار ارجاعات مراجع قضایی به واحد معاضدت قضایی کانون وکلای اصفهان مطمح نظر قرار گرفته است تا بتوان گام مؤثری در راستای استانداردسازی وکالت‌های تسخیری و دستیابی به اهداف متعالیه حقوق جزا بردارد. ذیلاً به ایرادات مطروحه می‌پردازیم.

۱. عدم تناسب راهکارهای موجود با افزایش میزان وکالت‌های تسخیری

آمار دریافتی از واحد معاضدت قضایی کانون وکلای اصفهان بیانگر این موضوع است که در سال‌های ۱۳۹۷، ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ میانگین ورودی پرونده‌های کیفری به واحد معاضدت قضایی کانون وکلای اصفهان ۲۸۲۵ پرونده در سال است که از این تعداد، میانگین پرونده‌های مختومه شده ۱۵۰۷ پرونده در سال و میانگین پرونده‌هایی که بالاتکلیف محسوب می‌شوند، تعداد ۱۳۱۸ پرونده در سال است.^۱

۱. زینل پور، مرتضی، «ارزیابی کارآمدی وکالت‌های تسخیری (مطالعه موردی دعوی مطروحه در شعب دادگاه کیفری استان «سابق» و دادگاه کیفری یک استان اصفهان از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۹)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد، ۱۴۰۰.



با توجه به آمار ارائه‌شده، ارجاع پرونده‌های کیفری به وکلای تسخیری در سال‌های ۱۳۹۷، ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ با رشد محسوسی روبه‌رو بوده، اما این روند روبه‌رشد در پرونده‌های مختومه شده حفظ نشده است. با نگاهی به نمودار فوق می‌توان دست یافت که از تعداد ۸۴۷۷ کل پرونده‌های ارجاع‌شده در سال‌های ۱۳۹۷، ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ تنها ۵۳ درصد از پرونده‌ها که تعداد آنها ۴۵۲۲ پرونده است، مختومه گردیده و از این میزان ۴۷ درصد از پرونده‌های ارسالی یعنی حدود ۳۹۵۵ پرونده، بلا تکلیف مانده است.

بنابر اطلاعات به‌دست‌آمده از تحلیل داده‌ها، در سال‌های ۱۳۹۷، ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ با افزایش میزان ارجاع پرونده‌های تسخیری به وکلا، تعداد پرونده‌های مختومه‌شده در این سال‌ها کاهش یافته است و این موضوع نگرانی‌هایی را در راستای دستیابی حقوق جزا به اهداف خود به منظور تأسیس نهاد وکالت‌های تسخیری ایجاد می‌سازد.

در این مرحله پاسخ به این سؤال که پرونده‌های بلا تکلیف شامل چه پرونده‌هایی می‌شوند؟ ضروری است، اما قبل از پاسخ به این سؤال ذکر این نکته قابل توجه است که پرونده‌های کیفری پس از قطعیت رأی دادگاه و ارسال گزارش عملکرد وکلای تسخیری به واحد معاضدت قضایی کانون وکلا در آمار پرونده‌های تسخیری لحاظ می‌شوند. اما در پاسخ به سؤال فوق‌الذکر می‌توان گفت پرونده‌هایی که در آمار بلا تکلیف قرار می‌گیرند، از دو حالت خارج نمی‌باشند.

بخشی از آمار پرونده‌های بلا تکلیف مربوط به تعداد پرونده‌های کیفری است که هنوز منتج به رأی قطعی نشده‌اند و هنوز در جریان رسیدگی کیفری هستند. در این بخش از آمار بسیاری از

پرونده‌های کیفری ممکن است در همان سال یا حتی سال‌های بعد نیز منتج به رأی قطعی نشوند. همین امر موجب افزایش قسمتی از آمار پرونده‌های بلا تکلیف می‌شود. این مورد نیز می‌تواند به کاهش تلاش و پیگیری‌های وکیل تسخیری به منظور اتمام پرونده کیفری نیز مربوط باشد. بخش دیگری از آمار پرونده‌های بلا تکلیف زمانی است که موکلان تسخیری از دفاعیات وکیل ناامید شده و با تعیین وکیل جدید، انصراف خود را از وکالت وکیل تسخیری در پرونده خود اعلام می‌دارد.

واضح و مبرهن است که با وجود افزایش میزان ارجاعات به وکلای تسخیری تدبیر مناسبی برای به نتیجه رسیدن این پرونده‌ها نگردیده است و این امر وکالت‌های تسخیری را از استانداردهای مدنظر قانون‌گذار خارج می‌سازد.

۲. الزام به تنظیم وکالت‌نامه طبق ماده ۸

ماده ۸ آیین‌نامه تعرفه حق الوکاله مصوب ۱۳۹۹/۹/۱ برخلاف قانون سابق مقرر داشته است که تنظیم وکالت‌نامه برای پرونده‌های تسخیری الزامی است. این امر مشکلات فراوانی را به دنبال دارد که از جمله می‌توان به مواردی اشاره داشت که متهم متواری است یا در زندان به سر می‌برد و یا از امضای وکالت‌نامه تسخیری استنکاف نموده است و چنین عنوان می‌دارد که من نیاز به وکیل ندارم. از سوی دیگر در این ماده عنوان شده است که مرجع رسیدگی‌کننده به پرونده که شامل بازپرس و قاضی است، می‌تواند به عنوان نماینده متهم وکالت‌نامه را امضا نماید. این در شرایطی است که مقام قضایی از قراردادان کد ملی خود و مشخصات فرد برای تنظیم وکالت‌نامه خودداری می‌نماید و این امر از موجبات اطالۀ دادرسی است و سبب مشقات وکلای تسخیری می‌شود که وکیل در پرونده‌ای که به نوعی به صورت تبرعی اقدام می‌نماید، با این مشکلات روبه‌رو شود. نکته حائز اهمیت این است که چگونه امکان دارد مقام قضایی که برای متهم حکم صادر می‌نماید، بدو به عنوان نماینده متهم حدود و اختیارات وکالت‌نامه و سایر موارد را از سوی متهم قبول و امضا نماید. این امر در تضاد آشکار با اصول دادرسی عادلانه است و علاوه بر عدم سازگاری با عدالت کیفری مدنظر حقوق جزا، از موارد غیراستاندارد قانونی در وکالت‌های تسخیری نیز محسوب می‌شود.

۳. حق الوکاله و نحوه پرداخت

حق الوکاله وکلای تسخیری و نحوه پرداخت آن در سیر تحولات قوانین کیفری مورد تغییر و تحولات زیادی قرار گرفته است. قانون‌گذار در قانون اصول محاکمات جزایی اقدامات وکیل تسخیری را کاملاً مجانی دانسته است.^۱ در اصلاحیه‌ای که در سال ۱۳۳۷ به تصویب رسید، حق الوکاله وکیل تسخیری منوط به درخواست وکیل و احراز دادگاه درخصوص توانایی پرداخت حق الوکاله توسط متهم گردید و دادگاه نیز ضمن رأی صادره، میزان حق الوکاله وکیل را نیز تعیین می‌نمود. نکته مهم در اصلاح این ماده، توجه قانون‌گذار به حق الوکاله وکلای تسخیری است که در اصلاح این ماده، وکالت‌های تسخیری از مجانی بودن خارج شده است و با درخواست وکیل و تشخیص دادگاه بر ملات متهم، برای وی حق الوکاله‌ای متناسب معین می‌نماید.^۲ این تغییر تأثیر مثبتی در روند وکالت‌های تسخیری ایجاد نمی‌ساخت؛ زیرا که از ابتدای امر در این قانون تعیین وکیل تسخیری برای متهمی لحاظ شده است که توانایی پرداخت حق الوکاله را ندارد. بنابراین پرداخت حق الوکاله توسط متهمی که قبلاً با احراز شرایط، وکیل تسخیری به او تعلق گرفته است، اشتباه قانون‌گذار در تصریح این ماده است.

در قوانین دیگر نیز به نحوه پرداخت حق الوکاله وکالت‌های تسخیری اشاره شده است که از جمله می‌توان قانون تشکیل صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستری مصوب ۱۳۵۵ را نام برد. قانون‌گذار در این قانون چنین تصریح داشته است که دولت به پیشنهاد وزارت دادگستری هر سال مبلغی بابت حق الوکاله‌های تسخیری و معاضدتی در بودجه کل کشور پیش‌بینی می‌کند و به‌کانون‌های وکلا خواهد پرداخت. در این قانون میزان حق الوکاله وکالت‌های تسخیری و

۱. ماده ۳۰۹ قانون اصول محاکمات جزایی مصوب ۱۳۹۱/۵/۳۰ به شرح ذیل:

متهم می‌تواند از رئیس محکمه خواهش کند وکیلی برای او معین نماید، وکلا از اشخاصی معین می‌شوند که موافق قانون صلاحیت وکالت را دارند. در این صورت اقدامات وکیل مجانی خواهد بود.

۲. ماده ۳۰۹ اصلاحی: متهم می‌تواند از رئیس دادگاه تقاضا کند وکیلی برای او معین نماید. هرگاه دادگاه با توجه به اوضاع و احوال این امر تعیین وکیل را لازم بداند، وکیلی از وکلای مجاز برای متهم تعیین می‌کند، والا بدون قبول درخواست متهم رسیدگی می‌نماید. اقدامات وکیل مجانی است، مگر اینکه وکیل متهم درخواست حق الوکاله نماید، در این صورت هرگاه دادگاه متهم را قادر به تأدیه حق الوکاله بداند، مبلغی که متناسب با اقدامات وکیل و اوضاع احوال متهم باشد، به نظر خود تعیین و در رأی قید می‌نماید، والا درخواست وکیل را رد می‌کند. تقاضای تعیین وکیل تسخیری باید تا اولین جلسه رسیدگی به عمل آید و پس از آن پذیرفته نیست.

معاضدتی را طبق آیین‌نامه^۱ تهیه‌شده از طرف کانون وکلا مرکز با مشارکت نماینده یا جلب‌نظر کانون‌های دیگر می‌داند که به تصویب وزارت دادگستری می‌رسد.^۱

درخصوص آیین‌نامه‌های مصوب درمورد ماده ۱۰ قانون تشکیل صندوق حمایت از وکلا و کارگشایان دادگستری، ذکر این نکته لازم است که آیین‌نامه ابتدا در سال ۱۳۷۴ مورد تصویب قوه قضائیه قرارگرفت و در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ اصلاح گردید. در آیین‌نامه^۱ مصوب ۱۳۷۴ میزان حق‌الوکاله قابل‌پرداخت را برای هر مورد وکالت تسخیری مبلغ یکصد هزار ریال در نظر گرفته است.

در این خصوص، وکیل دادگستری در مصاحبه^۱ اول در خصوص حق‌الوکاله وکالت‌های تسخیری چنین عنوان می‌دارد که: قبلاً یک مبلغ جزئی برای هر پرونده حدود ۱۰ هزار تومان پرداخت می‌شد. به عنوان مثال، چند پرونده تسخیری به وکیل ارجاع و تجمیع می‌شد و بودجه‌ای به این پرونده‌ها تخصیص پیدا می‌کرد و پس از پرداخت به کانون وکلا، این مبلغ به وکلا به پرداخت می‌شد.

در مصاحبه^۱ بیستم وکیل دادگستری چنین نقل می‌کند که: «در ابتدای امر که شاغل در حرفه وکالت بودم، چیزی در حدود بیست سال پیش، تعرفه‌های قوه قضائیه جهت حق‌الوکاله پرونده‌های تسخیری ۱۰ هزار تومان بود که این مبلغ به وکلا پرداخت می‌شد. این امر مربوط به سال ۱۳۸۰ است. اما بعداً در سال‌های ۱۳۸۷ که قانون جدید تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری تصویب شد و حق‌الوکاله وکالت‌های تسخیری از مبلغ ۱۰ هزار تومان به ۲۰۰ هزار تومان افزایش یافت و به هیچ‌یک از وکلا پرداخت نشد. دلیل عمده این عدم پرداخت نیز این است که قوه قضائیه به کانون وکلا پرداخت ننموده است که کانون وکلا بخواهد آن را به وکلا پرداخت نماید.»

در اصلاحیه‌هایی که بر آیین‌نامه^۱ اجرایی ماده ۱۰ قانون تشکیل صندوق حمایت از وکلا و کارگشایان دادگستری مصوب ۲۹ دی ماه ۱۳۵۵، میزان حق‌الوکاله قابل‌پرداخت برای هر مورد وکالت تسخیری دو میلیون ریال در نظر گرفته شده است. این مبلغ در ماده ۳ اصلاحیه سال ۱۳۸۷ و در ماده ۴ اصلاحیه سال ۱۳۸۸ بدون هیچ تغییری ذکر شده است.

۱. ماده ۱۰ قانون تشکیل صندوق حمایت از وکلا و کارگشایان دادگستری مصوب ۱۳۵۵.

در ماده ۷ اصلاحیه سال ۱۳۸۷ این قانون، اداره کل بودجه و تشکیلات قوه قضائیه را موظف دانسته است که هر ساله اعتبار مورد نیاز حق الوکاله وکالت‌های تسخیری و معاضدتی را که توسط قانون وکلای دادگستری مرکز برآورد و در لایحه بودجه قوه قضائیه منظور نماید تا پس از تصویب بر اساس موافقت‌نامه بودجه جاری مصوب کند و درخواست قانون وکلای مرکز از طریق ذی‌حسابی دادگستری در اختیار قانون وکلا قرار دهد. این ماده در اصلاحیه سال ۱۳۸۸ به شکل ذیل اصلاح می‌گردد.

در آیین‌نامه اصلاحی آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۰ قانون تشکیل صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستری مصوب ۲۹ دی ۱۳۵۵، مصوب ۱۳۸۸/۰۲/۱۲ میزان حق الوکاله وکالت‌های تسخیری را همان مقدار دو میلیون ریال در نظر گرفته است که در ماده ۹ این قانون چنین عنوان شده است که اداره کل بودجه و تشکیلات قوه قضائیه، همه‌ساله ۲۵٪ اعتبار مورد نیاز حق الوکاله وکالت‌های تسخیری و معاضدتی را که توسط قانون وکلای دادگستری مرکز و مرکز امور مشاوران حقوقی، وکلا و کارشناسان قوه قضائیه برآورد و پیشنهاد می‌گردد، در لایحه بودجه منظور تا پس از تصویب بر اساس موافقت‌نامه بودجه جاری مصوب و از طریق ذی‌حسابی دادگستری به طور مساوی به صورت تنخواه‌گران در اختیار قانون وکلای دادگستری و مرکز مشاوران حقوقی، وکلا و کارشناسان قوه قضائیه قرار دهد و با توجه به اسناد پرداخت شده موجودی را تا حداقل ۲۵٪ مذکور تکمیل نماید.

همچنین در اصلاحیه‌های تصویب شده از این قانون، میزان مبلغی درخصوص تعداد افزایش تعداد جلسات دادرسی، ارجاع وکیل به بیش از دو متهم در یک پرونده تسخیری و هزینه سفر وکلای تسخیری به خارج از محل اشتغال وکیل در نظر گرفته شده است.^۱

در تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ نقض آشکار در اصلاح قانون اصول محاکمات جزایی تغییر یافت و پرداخت حق الوکاله با درخواست وکیل، طبق تعرفه قانونی و از ردیف بودجه دادگستری پرداخت می‌شد.^۲

۱. مواد ۶، ۷ و ۸ آیین‌نامه اصلاح آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۰ قانون تشکیل صندوق حمایت از وکلا و کارگشایان دادگستری مصوب ۲۹ دی ماه ۱۳۵۵.

۲. ماده ۱۸۶ متهم می‌تواند از دادگاه تقاضا کند وکیلی برای او تعیین نماید، چنانچه دادگاه تشخیص دهد متهم توانائی انتخاب وکیل را ندارد، از بین وکلای حوزه قضائی و در صورت عدم امکان از نزدیک‌ترین حوزه مجاور ←

نحوه پرداخت حق‌الوکاله وکلای تسخیری در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تنها در دو ماده ۳۴۷ و ۳۴۸ این قانون مورد تصریح قانون‌گذار قرار گرفته است. قانون‌گذار در ماده ۳۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری پرداخت حق‌الوکاله را منوط به درخواست وکیل از دادگاه، و سقف میزان آن را تا حد تعیین شده در تعرفه حق‌الوکاله دانسته است که در هر صورت نباید از آن تجاوز کند. همچنین قانون‌گذار در این ماده محل پرداخت حق‌الوکاله وکالت‌های تسخیری را از اعتبارات قوه قضائیه دانسته است. طبق این ماده، برای پرداخت حق‌الوکاله وکلای تسخیری دادگاه متناسب با اقدامات وکیل میزان حق‌الوکاله وی تنها پس از درخواست وکیل را تعیین می‌نماید. بر اساس این ماده، حق‌الوکاله از محل اعتبارات قوه قضائیه پرداخت می‌شود. اما در قانون‌گذار در ماده ۳۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری پرداخت حق‌الوکاله وکالت‌های تسخیری را با این لفظ تصریح می‌نماید: «حق‌الوکاله وکالت‌های تسخیری از محل اعتبارات قوه قضائیه پرداخت می‌شود».

بنابراین می‌توان گفت در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با دو نوع پرداخت حق‌الوکاله روبه‌رو هستیم. قبل از تحلیل این دو نوع پرداخت باید به تحلیل و بررسی مواد ۳۴۷ و ۳۴۸ بپردازیم تا منظور قانون‌گذار را از این دو نوع پرداخت متوجه بشویم. بنابراین ذیلاً به تفسیر مواد ۳۴۷ و ۳۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری می‌پردازیم.

قانون‌گذار در تصریح ماده ۳۴۷ آیین دادرسی کیفری نام به‌خصوصی بر روی این نهاد نگمارده است. اما با توجه به تعریف وکالت‌های تسخیری در آیین‌نامه اصلاح آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۰ قانون تشکیل صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستری مصوب ۲۹ دی ماه ۱۳۵۵ که وکالت تسخیری را شامل تمام ارجاعات دادگاه به وکلا برای دفاع از متهم در امور کیفری می‌داند و این نوع از وکالت را شامل جرایم خاص ندانسته است، مقصود قانون‌گذار از این از وکالت مورد تصریح در ماده ۳۴۷ را همان وکیل تسخیری می‌دانیم.

وکالت تسخیری مدنظر قانون‌گذار در ماده ۳۴۷ به جهاتی با وکالت‌های تسخیری ماده ۳۴۸ متفاوت است که ذیلاً به تشریح هر کدام می‌پردازیم:

→ وکیلی برای متهم تعیین خواهد نمود و در صورتی که وکیل درخواست حق‌الوکاله نماید، دادگاه حق‌الزحمه را متناسب با کار تعیین خواهد کرد و در هر حال حق‌الوکاله تعیینی نباید از تعرفه قانونی تجاوز کند. حق‌الوکاله یادشده از ردیف مربوط به بودجه دادگستری پرداخت خواهد شد.

- دادگاه هیچ الزامی در تعیین وکیل در وکالت‌های تسخیری موضوع ماده ۳۴۷ ندارد و دادگاه می‌تواند به سبب تشخیص عدم تمکن متقاضی، اختیاراً برای متهم وکیل تسخیری تعیین نماید.
- متهم تنها تا پایان اولین جلسه رسیدگی توانایی تقاضای تعیین وکیل تسخیری موضوع ماده ۳۴۷ را دارد و این در حالی است که تشکیل جلسه رسیدگی در جرایم بندهای الف، ب، پ و ت ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری در صورتی که متهم وکیل تعیین نماید، منوط به تعیین وکیل تسخیری موضوع ماده ۳۴۸ است.
- تفاوت پایانی و موضوع بحث این تیر پرداخت حق الوکاله وکلای تسخیری موضوع ماده ۳۴۷ و ۳۴۸ است. در وکالت‌های تسخیری موضوع ماده ۳۴۷ پرداخت حق الوکاله منوط به درخواست وکیل است، اما در وکالت‌های تسخیری موضوع ماده ۳۴۸ قانون‌گذار صریحاً اعلام می‌دارد که حق الوکاله، وکالت‌های تسخیری از محل اعتبارات قوه قضائیه پرداخت می‌شود. این تصریح به این معنا است که بدون ثبت هیچ درخواستی از وکیل تسخیری قوه قضائیه ملزم به پرداخت حق الوکاله وکلای تسخیری است.
- حق الوکاله وکالت‌های تسخیری طبق آیین‌نامه تعرفه حق الوکاله، حق المشاوره و هزینه سفر وکلای دادگستری مصوب ۱۳۹۹/۰۱/۰۹ دوبرابر حداقل تعرفه معین شده در همین آیین‌نامه است. با توجه به این آیین‌نامه حق الوکاله وکالت‌های تسخیری به قرار ذیل است:
- الف) جرایم داخل در صلاحیت رسیدگی دادگاه‌های کیفری یک، نظامی یک و دادگاه انقلاب:
 - جرایم مستوجب مجازات‌های سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد یا حبس تعزیری درجه یک مبلغ صد میلیون ریال است.
 - جرایم مستوجب مجازات‌های تعزیری درجه دو و سه مبلغ شصت میلیون ریال است.
 - دیگر جرایم مبلغ بیست میلیون ریال است.
- ب) جرایم داخل در صلاحیت رسیدگی دادگاه کیفری دو، نظامی دو و اطفال و نوجوانان:
 - جرایم مستوجب مجازات‌های حدود، دیات و تعزیرات درجه چهار و پنج مبلغ بیست میلیون ریال است.
 - جرایم مستوجب مجازات‌های تعزیری درجه شش مبلغ ده میلیون ریال است.

– دیگر جرایم مبلغ چهار میلیون ریال است.

(پ) اعتراض به قرارهای قابل اعتراض در دادسرا مبلغ دو میلیون ریال است.

(ت) فرجام خواهی کیفری، تقاضای اعاده دادرسی و تقاضای اعمال ماده ۴۴۷ آیین دادرسی کیفری مبلغ چهار میلیون ریال است.

(ث) دعوای که فقط وکلای تبصره ماده ۴۸ آیین دادرسی کیفری می‌توانند در آن‌ها قبول وکالت نمایند مبلغ صد میلیون ریال است.

برخی از منتقدان عملکرد وکلای تسخیری بر این باورند که دستمزد ناکافی موجب می‌شود تا وکلا تلاش کنند هرچه زودتر به این نوع پرونده‌ها رسیدگی کنند و مابقی وقت خود را برای موکلانی که قادرند حق‌الوکاله کافی پرداخت کنند، صرف نمایند.^۱ باتوجه میزان حق‌الوکاله تعیین‌شده برای وکالت‌های تسخیری یکی از موارد ناکارآمدی این نوع وکالت حق‌الوکاله تعیین‌شده توسط قوه قضائیه است.

در مصاحبه دهم وکیل درباره علت عدم پرداخت حق‌الوکاله چنین عنوان می‌دارد که حق‌الوکاله وکالت‌های تسخیری مطالبات کانون وکلا از قوه قضائیه هست و قوه قضائیه باید برای تأمین وکالت‌های تسخیری مبلغی را به حساب کانون واریز نماید و کانون وکلا پس از پرداخت این مبلغ از سوی قوه قضائیه، وجه را به حساب وکلایی که پرونده‌های تسخیری را قبول وکالت نموده‌اند، واریز نماید.

در مصاحبه هشتم وکیل دادگستری عنوان می‌دارد که: یک مبلغی تحت عنوان حق‌الوکاله وکیل تسخیری مشخص شده است. اما این مبلغ به وکلا پرداخت نمی‌شود تا یک جاذبه‌ای برای وکیل ایجاد شود و بهتر بتواند دفاعیات خود را انجام دهد. وقتی یک پرونده تسخیری از طرف کانون وکلا به وکیل ارجاع می‌شود، وکیل ناچار است این وکالت را قبول نماید. این امر برای وکیل جنبه رفع مسئولیت دارد. قوه قضائیه یک تعرفه‌های تعیین نموده، اما هیچ حق‌الوکاله‌ای پرداخت نشده است و علت عمده عدم پرداخت حق‌الوکاله این است که وکالت‌های تسخیری به عنوان یک مسئولیت تلقی می‌شود. از طرفی به این علت که وکیل داخل این سیستم کار می‌کند، به نوعی موظف به قبول پرونده‌های تسخیری است.

1. Neubauer W, "America's Courts and the Criminal Justice System" *Ninth Edition, Thomson Wadsworth*, 2008: 15.

وکیل دادگستری در مصاحبه سوم درخصوص نقاط ضعف وکالت‌های تسخیری چنین عنوان می‌دارد که: در وکالت‌های تسخیری باید دوبرابر حداقل تعرفه به وکیل تسخیری پرداخت شود. در پرونده‌های تسخیری نیز متهمین اکثراً با مجازات‌های حبس ابد و سلب حیات روبه‌رو هستند که حداقل تعرفه آن پنج میلیون تومان است و دوبرابر آن ده میلیون تومان برآورد می‌شود و این مبلغ باید به عنوان حق‌الوکاله به وکلای تسخیری پرداخت شود. در ردیف بودجه نیز در نظر گرفته می‌شود و بودجه نیز به آن تعلق می‌گیرد، اما مشخص نیست این مبلغ صرف چه هزینه‌هایی می‌شود. وکیل تسخیری که این حجم از پرونده‌های سنگین به او ارجاع می‌شود، هیچ انگیزه‌ای برای دفاع از موکل ندارد.

وکیل دادگستری در مصاحبه نهم عنوان می‌دارد: تعرفه‌ای که قوه قضائیه تعیین نموده است، حق مردم است. بودجه‌ای نیز به این امر تخصیص داده شده است. در مصاحبه هفدهم وکیل دادگستری درخصوص تعرفه حق‌الوکاله چنین عنوان می‌دارد که: وکیل اگر به دنبال این حق‌الوکاله هم نرود، قوه قضائیه تکلیف به پرداخت دارد. وکیل به اجبار از جیب خود پرداخت می‌نماید و اگر این کار را انجام ندهد، برای او تخلف محسوب می‌شود.

با توجه به قوانین و مقررات موجود و مصاحبه صورت‌پذیرفته از وکلا و کارمندان واحد مالی قوه قضائیه چنین برمی‌آید که در وکالت‌های تسخیری، قوه قضائیه با پیشنهاد میزان حق‌الوکاله وکالت‌های تسخیری از سوی کانون وکلاء ۲۵ درصد از اعتبار مورد نیاز را در لایحه بودجه منظور می‌نماید و با تصویب آن و پرداخت به قوه قضائیه این مبلغ را برای تأمین حق‌الوکاله وکالت‌های تسخیری به کانون وکلا و مرکز وکلا پرداخت نماید. در اینجا ذکر این نکته لازم است که وکالت‌های تسخیری از سال ۱۳۹۸ با پیگیری‌های اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری و کانون وکلای مرکز، اولین بار در ردیف بودجه قرار گرفت. طبق قانون بودجه سال ۱۳۹۸ کل کشور در ردیف ۳۶، جدول شماره ۹ بودجه که مربوط به اعتبارات متفرقه است، هشت میلیارد تومان برای تأمین بخشی از حق‌الوکاله وکلای معاضدتی و تسخیری در نظر گرفته شد. همچنین در قانون بودجه سال ۱۳۹۹ کل کشور در ردیف ۳۴، جدول شماره ۹ بودجه، مربوط به اعتبارات متفرقه ده میلیارد تومان برای تأمین بخشی از حق‌الوکاله وکلای معاضدتی و تسخیری در نظر گرفته شده است. در مصاحبه اختصاصی با واحد معاضدت کانون وکلای اصفهان، کارمند

واحد معاضدت قضایی کانون وکلا چنین اذعان داشتند که: مبلغی برای تأمین حق الوکاله وکالت‌های تسخیری به کانون وکلای اصفهان پرداخت نشده است. از طرف دیگر، در مصاحبه‌سی و هشتم کارمند قوه قضائیه درخصوص روند اخذ حق الوکاله وکالت‌های تسخیری اذعان می‌دارد که: «وکیل باید اول قرارداد وکالت تسخیری خود را تنظیم نماید، در جلسه دفاع شرکت نماید و نهایت امر که دفاعیات خود را انجام داد و منتج به صدور حکم دادگاه شد، از دادگاه طی نامه‌ای به قوه قضائیه اعلام می‌شود که این مبالغ برای آن‌ها پرداخت می‌شود.»

پرداخت حق الوکاله وکالت‌های تسخیری که در این پژوهش به عنوان یکی از نقاط ضعف پرونده‌های تسخیری نام برده شده است، با پیچیدگی و مشکلات فراوانی روبه‌رو است. وکلای دادگستری در پاسخ به این سؤال که «علت عمده عدم دریافت حق الوکاله وکالت‌های تسخیری از جانب شما چیست؟» پاسخ‌های بسیاری را اظهار نموده‌اند. با طرح این سؤال و دریافت پاسخ آن از وکلا به دلایل موجود درخصوص عدم دریافت حق الوکاله وکالت‌های تسخیری از جانب جامعه وکلا دست‌یافتیم. از جمله این موارد می‌توان به طولانی بودن فرایند دریافت حق الوکاله در عوض حق الوکاله اندک، نوع برخورد با وکلا درمورد پیگیری پرداخت حق الوکاله، عدم اراده در پرداخت حق الوکاله وکالت‌های تسخیری و عدم پیگیری پرداخت توسط وکلا اشاره داشت که ذیلاً به بررسی این موارد می‌پردازیم.

۳.۱. فرایند طولانی در عوض حق الوکاله اندک

وکیل دادگستری در مصاحبه نوزدهم چنین عنوان می‌دارد که: مبلغ حق الوکاله وکالت‌های تسخیری چشمگیر نبود و فرایند بسیار طولانی را به همراه داشت. زمانی که وکیل برای سپری نمودن این فرایند طولانی تلف کند، بهتر است صرف یک پرونده دیگر با حق الوکاله بالا شود. وکیل دادگستری در مصاحبه بیست و هفتم درخصوص عدم دریافت تعرفه حق الوکاله چنین عنوان می‌دارد که: زمان بر بودن این فرایند و مقدار حق الوکاله، آن قدر ناچیز است که مقرون به صرفه نیست تا وکلا بخواهند این موضوع را پیگیری کنند و هزینه پیگیری آن بیشتر از خود حق الوکاله است.

۳.۲. نوع برخورد با وکلا در خصوص پرداخت حق‌الوکاله

یکی از عمده دلایلی که وکلا در خصوص عدم دریافت حق‌الوکاله اذعان داشتند، نوع برخورد مراجع موظف به پرداخت حق‌الوکاله با وکلا بوده است. وکیل دادگستری در مصاحبه دوم، علت عدم دریافت حق‌الوکاله را چنین عنوان می‌دارد: دید منفی قضات به این مقوله و تبعات منفی این امر سبب شده است که من به‌شخصه برای دریافت حق‌الوکاله تعیین شده از سوی قوه قضائیه مراجعه ننمایم.

همچنین وکیل دادگستری در مصاحبه دوم در خصوص دریافت حق‌الوکاله وکالت‌های تسخیری چنین عنوان می‌دارد که: من به دفعات برای دریافت حق‌الوکاله وکالت‌های تسخیری اقدام نمودم. چنین به بنده گفته شد که مبلغی برای این نوع از وکالت پرداخت نمی‌شود. علاوه بر این، برای یک وکیل با سابقه چندان زیبا نیست که چندین بار به کانون وکلا مراجعه کند و دریافت حق‌الوکاله پرونده تسخیری را درخواست نماید. بنابراین یک وکیل شأن خودش را برای دریافت این مبلغ ناچیز زیر سؤال نمی‌برد. من یک بار برای این امر اقدام نمودم، اما به صورت تمسخرآمیز با بنده رفتار شد. آن قدر به بنده گفتند این رفتار زشت است که درب خروجی کانون وکلا را گم کردم.

وکیل تسخیری در مصاحبه ششم اذعان می‌دارد: «وکالت‌های تسخیری تأمین‌کننده حقوق موکل نیست. این نهاد زمانی تأمین‌کننده حقوق موکل است که با ارجاع پرونده تسخیری به وکیل، بودجه‌ای جهت تأمین هزینه‌ها و کارمزد به وی پرداخت شود. این امر نه تنها منتج به مسئولیت‌پذیری وکیل در پرونده‌های تسخیری می‌شود بلکه منتج به افزایش میل وکلا به دریافت این پرونده‌ها می‌گردد. معمولاً این تخصیص بودجه انجام می‌شود اما پرداختی به وکلاء صورت نمی‌پذیرد. در نتیجه وکیل با این تفکر روبه‌رو خواهد شد که وقت خود را صرف پرونده‌هایی نماید که با دریافت حق‌الوکاله همراه است.»

۳.۳. عدم پیگیری پرداخت از جانب وکلا

وکیل دادگستری در مصاحبه پنجم در خصوص عدم پرداخت تعرفه حق‌الوکاله چنین عنوان می‌دارد که: هیچ وقت تا به حال حق‌الوکاله وکالت‌های تسخیری پرداخت نشده است. وکلا پیگیر آن نیستند و قوه قضائیه نیز زمینه پیگیری پرداخت حق‌الوکاله را ایجاد ننموده است. قوه قضائیه

باید زمینه را ایجاد کند. بنده که به عنوان وکیل با قوه قضائیه درگیر هستیم، دائم نمی‌گوییم دستمزد من در پرونده تسخیری چه شد. بنابراین خود دادگستری باید زمینه لازم برای گرفتن دستمزد را ایجاد کند.

وکیل دادگستری در مصاحبه پانزدهم علت عمده عدم دریافت حق‌الوکاله در وکالت‌های تسخیری را ناچیزبودن این مبلغ دانست و چنین اذعان می‌دارد که: من به عنوان وکیل دادگستری دنبال حق‌الوکاله وکالت‌های تسخیری نمی‌روم و تنها به جهت رفع تکلیف است که در سال حدود سه پرونده تسخیری قبول می‌کنم.

در مصاحبه یازدهم وکیل دادگستری می‌گوید: علت عمده عدم پیگیری دریافت حق‌الوکاله از جانب بنده این بود که مبلغ حق‌الوکاله وکالت‌های تسخیری برای من اهمیت نداشت. دفاعی را که از موکل انجام می‌دادم، به حساب خیرات و میراث می‌گذاشتم و اگر حق با موکل تسخیری بود، از وی دفاع می‌نمودم. همچنین در مصاحبه چهارم، وکیل دادگستری عدم پیگیری دریافت حق‌الوکاله را به این علت می‌داند که این نوع از وکالت، جنبه کمک‌رسانی و امدادسانی داشته است.

۴. الزامی بودن وکالت‌های تسخیری

وکیل دادگستری در مصاحبه چهاردهم اذعان می‌دارد که: وکالت تسخیری نوعی وکالت الزامی برای وکیل محسوب می‌شود. این در حالی است که وکالت یک امر اختیاری است و براساس اصل آزادی قراردادها و ماده ۱۰ قانون مدنی هر شخص می‌تواند وکالت اشخاص دلخواه خود را قبول نماید. وقتی جنبه اجبار مطرح می‌شود و مقام قضایی دستور می‌دهد که شما این پرونده را باید قبول کنی، وکیل آنچنان میل و رغبتی برای دفاع از موکل در این‌گونه پرونده‌ها ندارد.

در مصاحبه دوازدهم وکیل دادگستری عمده‌ترین نقطه‌ضعف وکالت‌های تسخیری را اجبار و الزام برای وکیل می‌داند و چنین عنوان می‌دارد که: این موضوع موجب می‌شود که وکیل به دلیل اینکه حق‌الزحمه دریافت نکرده و کانون وکلا نیز حق‌الزحمه‌ای به او پرداخت نمی‌نماید، این امر را یک تکلیف تلقی نماید که به اجبار بر عهده وکیل قرار می‌گیرد و آن را با جان و دل انجام نمی‌دهد.

در مصاحبه سیزدهم نیز وکیل دادگستری چنین عنوان می‌دارد که: وکالت‌های تسخیری به علت اینکه یک وکالت اجباری است، هزینه آن باید توسط قوه قضائیه تأمین بشود. با توجه به عدم صورت پذیرفتن این امر، فقط جنبه رفع تکلیف دارد.

در مصاحبه‌های صورت‌پذیرفته، وکلا بر این امر تأکید داشتند که در وکالت‌های تسخیری آن‌طور که شایسته است برای انجام دفاعیات و تنظیم لایحه وقت نمی‌گذارند و طبیعتاً خروجی این امر ممکن است موجب تضییع حقوق موکل شود و این امر یکی ایرادات مطروحه به معاضدت‌های قضایی محسوب می‌شود که وکلای دادگستری نیز در مصاحبه‌های انجام‌شده به آنها اذعان داشته‌اند.

۵. ارجاع پرونده‌های تسخیری بدون در نظر گرفتن تخصص وکلا

وکیل دادگستری در مصاحبه بیستم می‌گوید: بنده هیچ انگیزه‌ای برای وکالت در پرونده‌های تسخیری ندارم. به این علت که من هیچ تخصصی داخل پرونده‌های کیفری ندارم، ولی مجبور هستم در دادگاه از موکل دفاع کنم. شاید من اصلاً نتوانم کمکی به آن شخص کنم؛ چون اصلاً اطلاعاتی در حوزه حقوق جزا ندارم و امور کیفری حوزه تخصصی من نیست. بنابراین هیچ انگیزه‌ای برای مطالعه پرونده کیفری ندارم، ولی مجبور هستم بروم دفاع کنم؛ حال این دفاع چقدر مؤثر باشد، بستگی به شانس موکل تسخیری دارد.

در مصاحبه هجدهم وکیل دادگستری چنین عنوان می‌دارد که: یکی از بزرگ‌ترین نقاط ضعف وکالت‌های تسخیری این است که تخصص وکلا نادیده گرفته می‌شود. به عنوان مثال، من که خانم هستم و در حیطة دعاوی مربوط به قراردادها وکالت می‌کنم، اگر پرونده مواد مخدر به من ارجاع شود، اولاً علاقه من نیست؛ ثانیاً داخل حیطة کاری من نیست، اما این موارد به بنده ارجاع می‌شود. من اگر هم بخواهم، توانایی دفاع کامل و جامع از متهم را ندارم و این یکی از مطالبی است که تشریفاتی بودن وکالت‌های تسخیری را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

۶. عدم پیگیری نتایج وکالت‌های تسخیری در پرونده‌های مختومه

در مصاحبه شانزدهم وکیل تسخیری چنین عنوان می‌دارد که: زمانی که پرونده کیفری را برای انجام وکالت به صورت تسخیری به من ارجاع می‌دهند، من یک لایحه پیش‌پاافتاده

می‌نویسم و از آن رد می‌شوم. چون به کسی بدهکار نیستم، وقتی هم کوتاهی انجام دهم، به کسی بدهکار نیستم، اما ناگفته نماند بعضی وکلا، دفاعی که در پرونده‌های بزرگ انجام می‌دهند، در پرونده‌های تسخیری نیز انجام می‌دهند.

در مصاحبه هفتم وکیل دادگستری چنین می‌فرماید: از نقاط ضعف وکالت‌های تسخیری این مورد است که درخصوص نوع انجام دفاع و میزان کیفیت عملکرد وکیل در پرونده‌های تسخیری، از وی سؤالی پرسیده نمی‌شود. درست است که وکلا در پرونده‌های تسخیری پس از اتمام کار یک سری فرم‌ها باید تنظیم کنند و به واحد معاضدت ارسال نمایند، اما شخصی این گزارش عملکرد را پیگیری نمی‌کند. هیچ شخصی پیگیری نمی‌کند که این پرونده تسخیری که شما رفتی و دفاع کردی، چرا شخص محکوم شد.

۷. عدم رعایت فیلترهای موجود جهت کاهش میزان پرونده‌های تسخیری

یکی از مواردی که عملکرد وکلای تسخیری را تحت‌الشعاع قرار داده است، ارجاع پرونده‌هایی است که طبق قانون نیازی به تعیین وکیل تسخیری در این پرونده‌ها نیست. در بررسی تصادفی پرونده‌هایی که تحت عنوان تعیین وکیل تسخیری برای متهم به واحد معاضدت کانون وکلای اصفهان ارجاع شده است، به پرونده‌هایی دست یافتیم که طبق قانون نیازی به تعیین وکیل تسخیری برای آنها نبوده است.

- پرونده ارسال شده از شعبه ۷ دادیاری داسرا عمومی و انقلاب شاهین‌شهر به با جرم توهین از طریق پیام‌رسان واتس‌آپ؛^۱
- پرونده ارسال شده از شعبه ۳۰ بازپرسی داسرا عمومی و انقلاب (مجتمع ۳) به با جرم درگیری؛^۲
- پرونده ارسال شده از شعبه دوم بازپرسی داسرا عمومی و انقلاب برخوردار به با جرم سرقت مقرون به آزار.^۳

۱. کلاسه پرونده ۰۰۰۰۳۸۹.

۲. کلاسه پرونده ۰۰۰۰۴۳۱.

۳. کلاسه پرونده ۹۹۰۱۲۵۴.

این در حالی است که تبصره ۲ ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری به‌صراحت تعیین وکیل تسخیری را در مرحله تحقیقات مقدماتی جرایمی با مجازات‌های سلب حیات و حبس ابد تصریح نموده است. شدیدترین این جرایم در پرونده‌های فوق سرقت مقرون به آزار است که مجازات آن از سوی قانون‌گذار پنج تا بیست سال حبس تعیین شده است. بنابراین، هیچ‌یک از این پرونده‌ها، در مرحله تحقیقات مقدماتی نیازی به تعیین وکیل تسخیری ندارند و این امر از ناحیه دادرسی خود منتج به افزایش پرونده‌های تسخیری و صرف هزینه‌های هنگفت به کانون وکلا می‌شود.

نتیجه‌گیری

با وجود اصلاحات انجام‌پذیرفته توسط قانون‌گذار وکالت‌های تسخیری استانداردهای لازم را برای احقاق حقوق اشخاص در پرونده‌های کیفری دارا نیست. این نهاد نقاط ضعف بسیاری از جهات قانون دارد که این نوع از وکالت را به یک نوع وکالت تشریفاتی در محاکم دادگستری تبدیل نموده است. از جمله ایرادات قانونی که در این پژوهش به آنها پرداخته شد، می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت:

- عدم ایجاد راهکارهای موجود در قوانین با وجود افزایش روزافزون وکالت‌های تسخیری نام برده شود. این مورد به‌خصوص از آمار پرونده‌های تسخیری ارجاع‌شده به وکلا و پرونده‌های مختومه‌شده با وکلای تسخیری کاملاً مشهود نظر است. با تحلیل آمار و داده‌های برگرفته از واحد معاضدت قضایی کانون وکلای اصفهان، به این مفهوم دست یافتیم که میزان پرونده‌های مختومه‌شده توسط وکلای تسخیری تنها ۵۳ درصد از کل پرونده‌های ارجاع‌شده به واحد معاضدت قضایی کانون وکلا است و حدود ۴۷ درصد از این پرونده‌ها بلا تکلیف باقی مانده‌اند. این امر به این معنا است که با وجود افزایش میزان پرونده‌های تسخیری، راهکار مناسبی برای کنترل این حجم از پرونده‌های کیفری و کیفیت مختوم‌شدن آنها در نظر گرفته نشده است.
- الزام به تنظیم وکالت‌نامه در پرونده‌های تسخیری که قانون‌گذار در موارد استتکاف موکل از امضای قرارداد، اخذ امضا از اشخاصی مانند قاضی و بازپرس به نمایندگی از موکل تسخیری است که مورد قبول قانون‌گذار قرار گرفته شده است که تالی فاسد را به دنبال خواهد داشت.
- عدم پرداخت حق‌الوکاله‌های در نظر گرفته‌شده توسط نهادهای مربوط، یکی دیگر از موارد نقاط ضعف قانونی وکالت‌های تسخیری است. این عدم اجرای قانون درخصوص پرداخت حق‌الوکاله وکالت‌های تسخیری نیاز به همکاری نهادها و اشخاص درگیر در این مقوله را خواهان است. تهیه و تنظیم بودجه وکالت‌های تسخیری از سوی دولت، پرداخت بودجه اختصاص‌یافته بنا به درخواست اداره کل بودجه و تشکیلات قوه قضائیه به کانون‌های وکلا و مرکز وکلای قوه قضائیه و درنهایت پیگیری وکلا و تنظیم درخواست

- در مواقع لزوم همکاری این نهادها و اشخاص را مجموعاً می‌طلبد که وابستگی شدید به یکدیگر دارد. این نکته نیز باید مورد توجه قرارگیرد که تعیین حق الوکاله و عدم پرداخت آن به وکلای تسخیری، منتج به این امر شده است که وکلای تسخیری خود را محق حق الوکاله وکالت‌های تسخیری دانسته و عدم پرداخت این حق، منجر به این امر شده است که دفاع وکلا از موکلین تسخیری صرفاً برای رفع تکلیف باشد نه احقاق حق.
- همچنین الزامی بودن وکالت‌های تسخیری با وجود اصل آزادی قراردادها منتج به این امر شده است که وکلایی که میل به انجام وکالت‌های تسخیری ندارند، صرفاً حضور در جلسه رسیدگی را که به لحاظ طی شدن تشریفات قانونی برای رسمیت یافتن جلسه رسیدگی، سرلوحه کار خود قرار می‌دهند و دفاع قابل قبولی از موکل نمی‌نمایند. این امر بر تشریفاتی شدن وکالت‌های تسخیری دامن می‌زند.
 - یکی دیگر از موارد غیراستاندارد قانونی درخصوص وکالت‌های تسخیری که در این پژوهش به آن دست یافتیم، عدم پیش‌بینی تخصص وکلا در ارجاع پرونده‌های تسخیری به آنها است. وکیل دادگستری در وکالت‌های تسخیری با وجود عدم آشنایی با پرونده‌های کیفری ملزم به دفاع از موکل است و این امر خود از نقاط ضعف قانونی وکالت‌های تسخیری و تشریفاتی انگاشتن وکالت‌های تسخیری محسوب می‌شود.
 - عدم پیگیری نتایج پرونده‌های واگذارشده به وکلای تسخیری و صرف ارائه فرم گزارش عملکرد به واحد معاضدت کانون وکلا و عدم پیگیری این فرم‌ها منتج به دفاعیات غیرقبول وکلا از موکلین تسخیری شده است.
 - از وکالت‌های تسخیری در قوانین می‌توان عدم رعایت فیلترهای موجود برای کاهش میزان پرونده‌های تسخیری را نام برد. درحال حاضر ارجاعات دستگاه‌های قضایی بدون توجه به تخصیص وکیل تسخیری به موکل انجام می‌پذیرد. این راهکار موجب صرف وقت و هزینه وکلا در پرونده‌هایی با درجه اهمیت پایین می‌شود. وکلا با انجام وکالت در پرونده‌هایی با درجه اهمیت پایین به عنوان وکیل تسخیری، به سمت و سوی نوعی عادی‌انگاری در پرونده‌های مهم تسخیری کیفری در صلاحیت دادگاه کیفری یک هدایت می‌شوند.

از جمله راهکارهای استانداردسازی وکالت‌های تسخیری تأسیس سازمان وکیل مدافعان تسخیری برای ارجاع کامل پرونده‌های تسخیری به این سازمان همراه با جذب اختصاصی وکیل و اعطای پروانه وکالت تسخیری به وکلای این نهاد است. با تأسیس این سازمان، پرونده‌های تسخیری به وکلایی که میل به وکالت در پرونده‌های تسخیری را دارا هستند، ارجاع می‌شود. این سازمان دارای بودجه اختصاصی برای حق‌الوکاله‌های تعیین‌شده برای انجام هر پرونده تسخیری، توسط وکلای خود است.

همچنین تأسیس صندوق حمایت از موکلین تسخیری، هدف از تشکیل این صندوق، تعیین کارشناس تسخیری برای پیگیری پرونده‌های تسخیری و حضور در جلسه رسیدگی دادگاه است. کارشناس تسخیری هم‌زمان با تعیین وکیل تسخیری معین خواهد شد و همراهی در تمام مراحل دعوی کیفری تا صدور حکم قطعی برای موکل تسخیری را عهده‌دار است. دریافت بازخورد از وکلای تسخیری و سنجش مقایسه میزان محکومیت وکلا در پرونده‌های تسخیری با پرونده‌هایی که به صورت تعیینی قبول وکالت می‌نمایند، بخشش یا کسر مالیات از وکلا در ازای پیروزی در تعداد پرونده‌های تسخیری معین، با توجه به عدم پرداخت حق‌الوکاله‌های تعیین‌شده از سوی دستگاه‌های مربوط، می‌تواند وکلا را به دفاع منسجم از موکلین پرونده‌های تسخیری ترغیب نماید.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. خالقی، علی، *آیین دادرسی کیفری*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۵.
۲. فضائی، مصطفی، *دادرسی عادلانه در محاکمات کیفری بین‌المللی*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، ۱۳۸۷.

مقاله

۳. زینل‌پور، مرتضی و محسن شکرچی‌زاده، *بررسی ضعف در عملکرد پرونده‌های ارجاع شده به وکلای تسخیری در تئوری پنتوئیسم*، کنفرانس حقوق، علوم سیاسی و علوم انسانی، بهار ۱۴۰۰، دوره اول، ص ۱.

پایان‌نامه

۴. زینل‌پور، مرتضی، «ارزیابی کارآمدی وکالت‌های تسخیری (مطالعه موردی دعاوی مطروحه در شعب دادگاه کیفری استان «سابق» و دادگاه کیفری یک استان اصفهان از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۹)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، ۱۴۰۰.

ب) منابع انگلیسی

Articles

5. Pope, T, Davies, N, & Guerin, B, "The criminal justice system How government reforms and coronavirus will affect policing, courts and prisons". *The Chartered Institute of Public Finance & Accountancy*, 2020, p 9.
6. Williams, M, "The effectiveness of public defenders in four Florida counties" *Journal of Criminal Justice* 2013, p 205.
7. Hoffman, M, Rubin, P & Shepherd, J, "An Empirical Study of Public Defender Effectiveness: Self-Selection by the Marginally Indigent" *Law & Economics Research Paper Series* 2005, p 56.
8. Neubauer W, "America's Courts and the Criminal Justice System" *Ninth Edition, Thomson Wadsworth*, 2008, p 15.